

کوچک اشعاری به مناسبت نقل می‌کند که نشان می‌دهد وی به ادبیات فارسی و نیز عربی وقوف کافی داشته است. وی همچنین نام و قیمت مواد غذائی بسیاری را نوشته و نیز نام آلات موسیقی، نام پهلوانان و روسپیان؛ صورت مالیاتهای استانهای مختلف و از این قبیل اطلاعات سودمند را در کتاب خود فراهم آورده.

خدمت آقای مشیری در تصحیح و نشر این اثر و توضیحات و فهرست‌های آخیر کتاب و حواشی مفید است.



کامبیز اسلامی

## در باره چند کتاب

# بانگهای رسای ادبیات معاصر ایران

*Major voices in contemporary Persian literature.* Edited by Michael Hillmann. *Literature East & West*, vol. XX, nos. 1-4, January-December 1976 (June 1980, actual date of publication), 298 pp.

*Review of Major voices in contemporary Persian literature.* By Richard W. Cottam. *Iranian Studies*, vol. XIV, nos. 1-2, Winter-Spring 1981, p. 123-126.

آقای مایکل هیلمن، ادیتور این شماره مخصوص مجله ادبیات شرقی و غربی، بعضی از آثار کوتاه و بلند ۱۲ نویسنده و ۵ شاعر معاصر ایرانی را انتخاب کرده و ۲۲ مترجم فرنگی و ایرانی آن‌ها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌اند. قسمت عمده این کتاب را در حقیقت همین ترجمه‌ها تشکیل می‌دهد. منتها خود آقای هیلمن علاوه بر مقاله‌ای که در آخر کتاب درباره سیاست و نویسندگان ایرانی کلا، و آقای رضا پراهنی خصوصاً، نوشته است، بر بیشتر داستان‌ها و اشعار و نوشته‌های این مجموعه هم مقدمه‌هایی اضافه کرده که خوانندگان خارجی و ناآشنا را با نویسندگان آن قطعات آشنا می‌کند. بعلاوه، ۳ انتقاد کتابی هم که در انتهای این مجموعه آمده است - و یکی از آن‌ها قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده بود - ظاهراً از يك جهت برای این نقل شده‌اند که وسعت و جدیت فعالیت‌هایی که در زمینه ادبیات جدید فارسی صورت می‌گیرد تا حدی به نظر آن خوانندگان برسد. البته کتابشناسی مفصل و بسیار خوبی هم که ادیتور در پایان کتاب آورده است از این حیث به این قبیل خوانندگان کمک فراوانی می‌کند.

بنا به قول آقای هیلمن، بعضی از ایران‌شناسان معتقدند که از جنگ جهانی دوم به بعد ادبیات جدید و تخیلی فارسی وسیله‌ای اساسی بوده برای (۱) عرضه تصویری که ایرانیان از خود ترسیم کرده‌اند، (۲) برای دستیابی به آرزوهای شخصی.

و جمعی، (۳) برای انتقاد اجتماعی. معیارهایی که ایشان برای انتخاب داستان‌ها و اشعار و نوشته‌های غیرتخیلی این مجموعه بکار برده‌اند میزان تعهد اجتماعی نویسندگان و شعرای ایرانی و جذبهٔ روشنفکری ایشان بوده و مدعی هستند که کتاب حاضر که حاصل انتخابشان است «نمونه و منعکس‌کنندهٔ ادبیات جدید و تفسیری فارسی» می‌باشد (ص. ۸). متأسفانه باید گفت که این مجموعه اگر به این عنوان در نظر گرفته شود می‌تواند گمراه‌کننده باشد. اشکال کار البته به هیچ وجه در خود این معیارها - یا دست کم در معیار اول - نیست، هرچند که باید اذعان کرد که انتخاب جذبهٔ روشنفکری به عنوان یک معیار این خطر را به همراه دارد که عده‌ای روشنفکرانما - که متأسفانه تعدادشان هم پر کم نبوده است - به عنوان روشنفکر و نمونهٔ بارز خالقان ادبیات جدید فارسی محسوب شوند و آثارشان، به طریق اولی، در گلچین‌های ادبی نقل شود. در مورد معیار دوم هم باید دید که تعهد اجتماعی کدام نویسنده به چه نحوی در کدام اثرش منعکس شده و چه تأثیری بر خوانندگانش گذاشته است، گیرم عده‌ای اساساً به وجود این شدت و ضعف تعهدات اجتماعی در آثار آن نویسندگان ایراد بگیرند و به کمتر از شدت آن رضایت ندهند. تمام این‌ها مسئلهٔ انتخاب نویسندگان و شعرا و آثارشان را بسیار دشوار می‌کند. و باید اعتراف کرد که آثاری هیلن در انتخاب داستان‌ها و اشعار و نوشته‌های نویسندگان و شعرايي که برگزیده تا حد زیادی موفق بوده است.

بیشتر این داستان‌ها و اشعار نمونه‌هایی است که تصور می‌شود، خوب یا بد، نوی یا ضعیف، تکان‌دهنده یا بی‌ررق، حاصل حد اعلی کوشش و تلاش دانسته‌خالقتانان باشد برای بوجود آوردن تصاویری از زندگی مردم ایرانی، از بدبختیها و خوشبختیها - هایشان، از امیدهایشان، و از خشمشان. این‌ها به یک حساب نمونه‌هایی است از بهترین برگ‌هایی که آن نویسندگان و شاعران در حد خود رو کرده‌اند و، به این ترتیب، کمتر مجموعه‌ای می‌تواند از نقلشان غافل بماند. ولی چنانکه پیشتر گفته شد، واقعیت متأسفانه چیز دیگری است و این مجموعه نمی‌تواند نمونه و منعکس‌کنندهٔ ادبیات جدید و تفسیری فارسی محسوب شود، چون اگر بشود ممکن است خوانندهٔ ناآشنا به ادبیات جدید فارسی را به جاهای دور ببرد و باعث شود تا بعضی نتیجه‌های نامربوط بگیرد، چنانکه آقای کاتم را در نقد دیگری که بر همین کتاب نوشته است برده و باعث شده بعضی حکم‌های کلی بکنند. البته آقای کاتم فی نفسه تقصیری ندارد و حتی نتیجه‌هایی که از بررسی آثار نویسندگان و شاعران این مجموعه گرفته تا حدی بیجا و طبیعی است. منتها من خیال می‌کنم که اگر نمونه‌های دیگری از ادبیات جدید فارسی در این کتاب به نظر ایشان می‌رسید در نتیجه‌گیری‌های خود تجدید نظر کلی می‌کردند.

ولی مگر آقای کاتم چه نتیجه‌هایی گرفته است؟

«تکان‌دهنده برای من بعد از خواندن این مجموعه... درت این نکته بود که»

این منتخبات غالباً غیرسیاسی است، هرچند مطمئناً بی تفاوت به سیاست هم نیستند. این شاید نباید عجیب به نظر برسد. هرچه باشد سیاست در حقیقت فقط يك جنبه كوچك حال و وضع آدمی است و در زندگی غالب افراد اهمیت بسیار کمی دارد. بنابراین طبیعی است که نویسندگان بزرگ به حال و وضع آدمی با وسعت نظر بیشتری نگاه کنند و سعی نمایند تا زندگی فردی و اجتماعی مردم را درک کنند. و راستی بیشتر نوشته‌های این مجموعه اشارات قوی‌ای به جریانات سیاسی ایران دارد. معبداء، علی‌رغم این توضیحات، آن حالت تعجب به جای خود باقی می‌ماند. تصویر میلیون‌ها ایرانی در تلویزیون‌های سراسر دنیا که با خشم علیه امپریالیسم فریاد می‌کشیدند از یادها نمی‌رود. انتقاد جلال آل‌احمد از آنچه که او غرزدگی می‌خواند به هیچ وجه طرف قیاس چنان شدت خصمی نیست.

«شرح احوال مختصر ۱۸ نویسنده و شاعر این مجموعه، و مقاله مایکل هیلمن درباره رضا براهنی... [نشان می‌دهد که] معمولاً، مخالفت این اشخاص با رژیم پهلوی آنقدر بوده که حبس یا دست‌کم اذیت بشوند. و باز معمولاً این آدم‌ها - که رضا براهنی يك نمونه‌اش است - بعد از ترك زندان دست‌کم در گوشه و کنار سیستم پهلوی به کار و فعالیت می‌پرداختند، مثلاً در آموزش و پرورش و دانشگاه، یا در مطبوعات. کاملاً پیداست که آن‌ها زیاد لازم نمی‌دیدند که نسبت به طول عمر رژیم پهلوی شك کنند، و آنچه که نوشته‌اند لحن تسلیم نومی‌دانانه ملایمی دارد...»

«اما چیزی که جالب‌تر و از لحاظ تاریخی روشن‌کننده‌تر است بی تفاوتی کلی است به دگرگونی و تغییر در ایران، که در دوره ۱۹۷۷-۱۹۴۱ بقدر کافی رادیکال بود اما بزودی بطور کامل می‌شد با دگرگونی و تغییر فرانسه و روسیه در انقلابات بزرگشان طرف قیاس قرار بگیرد. یکبار دیگر، گزیده تفرین زمین جلال آل‌احمد جدی‌ترین نگاه‌های است که به جریان دگرگونی و تغییر انداخته شده است. اما هیچ کجا حتی اشاره مختصری هم به انفجار نیروهای بالقوه برای شرکت و دخالت سیاسی دستجمعی در ایران نشده است. هیچ پیدا هم نیست که عمق جذبه‌ای را که مذهب برای توده‌های مردم داشته شناخته باشند. چهره‌های مذهبی-سیاسی را با تحقیر کنار گذاشته‌اند. چاره‌ای جز گرفتن این نتیجه نیست که معتهدترین چهره‌های ادبی ایران همانطور که نتوانستند نقاط ضعف رژیم پهلوی را ببینند، نتوانستند اساس خشم و امید توده‌های مردم را هم ببینند... قوی‌ترین پیام [این کتاب] این است که معتهدترین نویسندگان ایران از وقوع انقلاب ایران عجیب بی‌خبر بودند و بنابراین در وقوعش هم اهمیت کمی داشتند.» (ص ۱۴۶-۱۴۴)

کاملاً پیداست که این حرف‌ها نتیجه طبیعی خواندن آن مجموعه باشد، گیرم نویسنده آن نقد کمی در تعمیم نتایجش به تمام آن نویسندگان و شاعران مبالغه کرده است. و البته این اولین بار نیست که چنین انتقاداتی از چنان نویسندگانی می‌شود. مشابه این حرف‌ها را به لحن تندتر و به صورت مفصل‌تر و از دیدگاه فکری دیگران می‌توان در انتقادهایی که بعضی از افراد از آثار فی‌المثل جلال آل‌احمد کرده‌اند پیدا کرد. کسانی که مقاله شادروان پویان را خوانده باشند می‌دانند که چرا آل‌احمد خشمگین از امپریالیسم و البته ترسان از انقلاب بود. علاوه، حتی بعضی از همان نویسندگان خود به چنان ایراداتی اذعان کرده‌اند. گفتن این که آن نتایج رنگی از واقعیت دارد اسباب اندوه است، ولی از اعتراف به آن چاره‌ای نیست.

ولی آیا درست است که بر اساس مقداری داستان و شعر درباره ادبیات مملکتی حکم کلی کرد؟ تحجر فکری و علاقه مفراط به فرمالیسم و بی‌خیالی و حتی خوش‌خیالی بعضی از آن نویسندگان به کنار، ولی آخر مگر سانسور دخالتی نداشته است؟ مگر این پیام کانون نویسندگان در شب‌های شاعران و نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران و آلمان نبود که «[ما خواستیم] بگوییم در این سال‌ها چه بر سر فرهنگ آوردند، چگونه همه‌چیز و هر چیز را واژگون و معلق، مسخ و کج و معوج نشان دادند تا شما، تک‌تک شما، بدانید که اگر این شب‌ها جایی دیگر ادامه نیافت، اگر به این قلم‌ها کتاب منتشر نشد، اگر کانون نویسندگان خانه‌ای از آن نویسندگان و شما نداشت، اگر نشریه‌ای منتشر نکرد، اهمال از جانب ما نبوده است.»<sup>۴</sup> و البته منتشر نکردن یا نوشتن تفاوت دارد. تکلیف آثاری که نوشته شده اما منتشر نشده چه می‌شود؟ وانگهی، آیا بجز این ۱۷ نویسنده و شاعر، نویسنده و شاعر برجسته و مترقی دیگری نداشته‌ایم که «سیاسی» باشند و «اساس خشم و امید توده‌های مردم» ایران را دیده باشند و به پایان «عمر رژیم پهلوی» ایمان داشته باشند و «به دگرگونی و تغییر در ایران» بی‌تفاوت نباشند و دست‌کم «از وقوع انقلاب» خیردار بوده باشند؟ البته داشته‌ایم.

من خیال می‌کنم محمود دولت‌آبادی، فریدون تنکابنی، احمد محمود، نسیم خاکسار، منصور یاقوتی، بهرام بیضایی، محسن یلفانی، باقر مؤمنی، و البته چند تن دیگر، به راحتی می‌توانند این را ثابت کنند. در چنین دوره و زمانی، چسبیدن به مثلاً سنگ صبور و بن‌بست صادق هدایت و تجهیز ملت و غربزدگی جلال آل‌احمد و گورستان هنگام م. ا. به‌آزین و غالب اشعار نادر نادرپور و سنگ‌صبور صادق چوبک و باد، باد مهرگان نادر ابراهیمی (که غالباً در حد خود نمودار و شاخص خالقان خود هستند) به بهای حذف مثلاً غالب آثار محمود دولت‌آبادی و همسایه‌های احمد محمود و غالب داستان‌های فریدون تنکابنی و امین فقیری و غالب مقالات باقر مؤمنی نه تنها عبین درجا زدن فکری انتخاب‌کننده است بلکه خبر از دل‌بستگی خاص او به آن نوع آثار دارد، و این نکته‌ای است که برای شناختن خود او ارزش خواهد داشت. اوسنه باباسبحان و هجرت سلیمان و گاواره‌بان و باشیرو و مخصوصاً جای خالی سلوچ محمود دولت‌آبادی نشان داده است که نویسنده آن‌ها چه قدرت مشاهده عظیم و آگاهی صحیح و دقیقی از جریانات اجتماعی و سیاسی ایران، و از روابط فردی و اجتماعی افراد یک قشر این مملکت داشته است. ۵. غالب آثار او، و غالب آثار آن چند نویسنده دیگر که برشردم، دست‌کم طرز نگاه‌کردن خواننده را به ادبیات فارسی اولاً، و به جامعه ایرانی ثانیاً، دگرگون کرده است و حتی همین کار یکی از بزرگترین خدمت‌هایی است که نویسنده داستان و رمانی می‌تواند در شرایط فعلی به خوانندگان خود بکند.

#### یادداشت تازه:

نوشتن این مختصر تمام شده بود که نویسنده نقد دیگری را بر همین کتاب از آقای حشمت مؤید دید (ایران‌نامه، سال اول، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۲، ص ۶۴۹-).

۶۶۲). آقای مزید در مقاله‌شان بیشتر به «سنجش ارزش این ترجمه‌ها و میزان صحت و امانتی که در آن بکار رفته» پرداخته‌اند و بنابراین کسانی که مایلند با این جنبه کتاب هم آشنا شوند می‌توانند به مقاله ایشان رجوع کنند.

### حواشی

#### ۱. آثاری که ترجمه یا تلخیص شده عبارتند از:

۱. فارسی شکر است. نوشته محمدعلی جمالزاده. مقدمه از ادیتور، ترجمه از سید منوچهر موسوی.
۲. ده قطعه شعر. از نیما یوشیج. مقدمه و ترجمه از لئوناردو پ. عالیشان Leonardo P. Alishan
۳. مقدمه و داستان پادنگ از کتاب رزق‌پاره‌های زندان. نوشته بزرگ علوی. مقدمه از ادیتور، ترجمه از داندل شجاعی.
۴. سنگ صبور و بن‌بست. نوشته صادق هدایت. مقدمه از ادیتور، ترجمه از استیون ل. مک‌فارلند Stephen L. McFarland ، گیتی نشأت، و مرلین زابینسون والدمن Marilyn Robinson Waldman
۵. تجبیز ملت. نوشته جلال آل‌احمد. مقدمه از ادیتور، ترجمه از دیوید چمپین David C. Champagne
۶. اه انسان و نفی. نوشته صادق چوبک. مقدمه از ادیتور، ترجمه از لئونارد بوگل Leonard Bogle ، و کارتر برایت Carter Bryant
۷. گیله‌مرد. نوشته بزرگ علوی. ترجمه از سید منوچهر موسوی.
۸. گورستان هنگام و پشت‌بام سرای حاج حسن. نوشته م. ا. به‌آذین. مقدمه از ادیتور، ترجمه از استیون ل. مک‌فارلند، و مهرداد باورپان.
۹. خلاصه چشم‌پایش بزرگ علوی. نوشته محمدرضا قانون‌پرور.
۱۰. چهارده قطعه شعر. از فروغ فرخزاد. مقدمه و ترجمه از ادیتور. ترجمه یک قطعه از کریم امامی.
۱۱. هفت قطعه شعر. از مهدی اخوان ثالث. مقدمه و ترجمه از لئونارد پ. عالیشان.
۱۲. چتر و گدا. نوشته غلامحسین ساعدی. مقدمه از غلامحسین ساعدی، ترجمه مقدمه از مری نیکلز Mary Nichols و سید منوچهر موسوی ترجمه داستان‌ها از جان ر. پری John R. Perry ، و سودابه آذر.
۱۳. خلاصه شوهر آهوخانم علی محمد افغانی. نوشته پل اسپراکمن. مقدمه از ادیتور.
۱۴. چهار قطعه شعر. از نادر نادریپور. مقدمه از ادیتور، ترجمه از لوری استیونسن Laurie Stevenson ، و علی افتخاری.
۱۵. فرهنگ و دانشگاه چه می‌کنند؟ [از غربردگی]. نوشته جلال آل‌احمد. ترجمه از ادیتور.
۱۶. شش قطعه شعر. از احمد شاملو. مقدمه از ادیتور، ترجمه از لئونارد پ. عالیشان، اسماعیل خوبی، و ادیتور.
۱۷. سفر عصمت. نوشته ابراهیم گلستان. مقدمه از ادیتور، ترجمه از کارتر برایت.
۱۸. مقدمه کندوکاو در مسائل تربیتی ایران. نوشته صمد بهرنگی. مقدمه از ادیتور. ترجمه از سید منوچهر موسوی.
۱۹. خلاصه سنگ صبور صادق چوبک. نوشته محمدرضا قانون‌پرور.

۲۰. باد مهرگان، نوشته نادر ابراهیمی، مقدمه از ادیتور، ترجمه از داین ویلکاکس Diane Wilcox ، و محمدرضا قنون پرور.
۲۱. خلاصه نفرین زمین جلال آل احمد، نوشته محمدرضا قنون پرور.
۲۲. شازده احتجاب، نوشته هوشنگ گلشیری، مقدمه از هوشنگ گلشیری، ترجمه از مینو ر. بافینگتن Minoo R. Buffington
۲۳. رضا برآهنی: بررسی سیاست و نویسنده در ایران، ۱۹۷۷-۱۹۵۳، نوشته ادیتور.
- بخشی انتقاد کتاب این مجموعه هم سه کتاب زیر را در بر می گیرد:
۱. گلچین شعر نو فارسی An anthology of modern Persian Poetry تألیف احمد کریمی حکاک، ناقد: ادیتور.
۲. شماره مخصوص مجله بررسی ادبی The Literary Riview [درباره ادبیات فارسی]، تألیف تامس ر. ریکس، Thomas R. Ricks ناقد: کری و. سیگل Kerry W. Segel
۳. ماهی سیاه کوچولو و دامستان های دیگر جدید فارسی نوشته صمد بهرنگی، ترجمه از مری و اریک هوگلند Mary and Eric Hoogland ناقد: ج. ج. دریس J. J. Deuries
۲. البته جای ایراد گرفتن هم هست. گذاشتن قصه کوتاه سنگ صبور صادق هدایت را به سختی می توان توجیه کرد، مگر آن که بگوییم ادیتور، و همکاران ایشان، بواسطه علاقه بخصوص و عجیبی که به زمان سنگ صبور آقای صادق چوبک دارند خواسته اند با ترجمه این افسانه قدیمی (که هر کس دیگری غیر از هدایت هم می توانست نقلش باشد) برای خوانندگان احتمالی زمان آقای چوبک معنای سنگ صبور را روشن کنند. از این باب، من خیال می کنم در این مجموعه به صادق هدایت تقریباً بی التفاتی شده است، گیرم شرح حالی از او در مقدمه این افسانه و داستان بن بست داده اند و اشارهای هم به اسم و رسم آثار دیگرش کرده اند. من مطمئن هستم که اگر آقای هیلمن به جای قصه سنگ صبور داستان فردای هدایت را - که قبلاً هم ترجمه و در جای دیگری منتشر شده بود - انتخاب می کرد، هم سندی از توجه و دلسنگی او به کارگران و مردم ساده بدست می داد و هم معیار انتخابی خود را بخوبی بکار می برد. (داستان فردای هدایت، به ترجمه لوسین ری Lucien Rey در مجله New Left Review ، شماره ۲۴، مارس-آوریل ۱۹۶۴، ص ۹۹-۹۱ چاپ شده است.)
۳. خصمگین از امپریالیسم، ترسان از انقلاب. نوشته امیر پروین یویان، ن نا، ن نا، ۱۴ ص.
- آقای هرمز شهدادی هم در نقدی که بر یکی از داستان های هوشنگ گلشیری نوشته است مسئله «گره سیاسی روشنفکران غیر سیاسی» را پیش می کشد که در واقع «عدم تعادلی است که در هنرمند آگاه یا روشنفکر میان خواست درونی و گزینش بیرونی اش وجود دارد» و نتیجه می گیرد که شکست گلشیری در این داستان گونه [کریستین و کید]، مبین شکست تمامی هنرمندان و روشنفکرانی است که با محیط خود و جهان مواجهه ای عمیق و بنیادی ندارند و می خواهند به کمک اشاراتی چند اجتماعی منشی خود را خاطرنشان کنند. («آئینه های معروف گلشیری»، نوشته هرمز شهدادی. کتاب امروز، خرداد ۱۳۵۱، ص ۳۲). مقاله آقای باقر مونی هم در باره مجموعه شعر ساز دیگر اثر جعفر کوش آبادی یک نمونه دیگر قضیه است که با اینکه درباره تسویه خرده حساب های شخصی (و به طریق اولی حزبی) نویسنده است با مقدمه نویس آن مجموعه شعر، و در آن صاحب ساز دیگر، با کم التفاتی، شاعر دلخوش غیر منطقی (ص، ۳۷) خوانده شده، مبهذا حاوی بعضی انتقادات اصولی است از بی تش های بعضی از نویسندگان.
۴. نگاه کنید به ده شب، شبهای شاعران و نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران-آلمان. بکوشش ناصر مؤذن، امیر کبیر، ۱۳۵۷، ص ۶۹۲.
۵. برای تفسیر بسیار خوب و جالبی از داستان های جای خالی سلوچ نگاه کنید به مقاله آقای نواب پور در مجله Iranian Studies ، جلد پانزدهم، شماره ۴-۱، ۱۹۸۲، ص ۲۵۰-۲۴۴.

THE CAMBRIDGE HISTORY OF IRAN  
VOLUME 3 (THE SELEUCID, PARTHIAN AND SASSANIAN PERIODS)  
EDITED BY E. YARSHATER 1983

دیرزمانی است که تألیف يك دوره تاریخ ایران که در بردارنده همه جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این سرزمین باشد، برای علاقه‌مندان به صورت آرزویی درآمده و متأسفانه کوششهایی که در این راه در ایران شده، تاکنون به‌جایی نرسیده است. اما حدود بیست و چند سال پیش مؤسسه انتشاراتی کمبریج با کمک مالی دولت وقت ایران بر آن شد که به تألیف يك دوره تاریخ مفصل هشت جلدی ایران زیر نظر يك هیئت تحریریه که دکتر محمود صناعی استاد و نویسنده دانشمند ایرانی از زمره آنان بود، همت گمارد و بدین منظور برای هر يك از مجلدات هشتگانه مدون یا ویراستاری جداگانه تعیین گردید. از این هشت مجلد، جلد اول با عنوان «سرزمین ایران» در سال ۱۹۶۸ و جلد پنجم «دوران سلجوقی و مغول» در همین سال و جلد چهارم «از حمله عرب تا دوران سلجوقی» در سال ۱۹۷۵ منتشر شد و در تألیف بخشهایی از آن نام‌آورترین محققان ایران‌شناس شرکت‌داشته‌اند. دیدن نام دانشمندانی همچون دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، مرحوم دکتر مرتضی مطهری و دکتر سیدحسین نصر و گیتی آذربی در میان نویسندگان بخشهایی از کتاب این امید را جان می‌بخشد که شاید روزگاری ما ایرانیان بتوانیم تاریخ کشور خویش یا لاقلاً بیشترین قسمتهای آن را خود بنویسیم.

اکنون جلد سوم این کتاب در حدود ۱۵۰۰ صفحه منتشر شده است که تاریخ دوره‌های سلوکی و اشکانی و ساسانی را در بر می‌گیرد و به علت تفصیل مطالب به ناچار به صورت دو بخش جداگانه درآمده است. ویراستاری این جلد را که در اینجا به معرفی آن می‌پردازیم، دکتر احسان یارشاطر استاد سابق دانشگاه تهران و استاد کنونی دانشگاه کلمبیا بر عهده داشته است.

بخش اول کتاب شامل يك مقدمه نسبتاً مفصل ۱۲۵ صفحه‌ای است به قلم دکتر یارشاطر که در حقیقت چکیده مطالب کتاب را در بر دارد و با خواندن آن طرحی از تاریخ این ادوار در ذهن خواننده غیرمتخصص نقش می‌بندد و او را برای دریافت مطالب علمی کتاب آماده می‌سازد. پس از آن قسمتهای چهارگانه بخش اول که تاریخ سیاسی این دورانهاست از این قرار آمده است:

قسمت اول شامل این فصلهاست: تاریخ سیاسی: ۱- دوران سلوکیان به قلم بیکرمن BIKKERMAN استاد بازنشسته دانشگاه کلمبیا، ۲- تاریخ سیاسی ایران در دوران اشکانیان: بیوار BIVAR استاد دانشگاه لندن، ۳- ایرانیان در آسیای صغیر: رادیتسا RADISTA استاد در مرلند، ۴- تاریخ سیاسی ایران در دوران ساسانی: فرای FRYE استاد هاروارد، ۵- تاریخ ایران شرقی: بیوار، ۶- تاریخ سیاسی ماوراءالنهر: زیمال ZAIMAL از موزه هریمیتاژ لنینگراد، ۷- استقرار ایرانیان در شرق پامیر: امریک EMERICK استاد دانشگاه هامبورگ.

قسمت دوم: سکه‌شناسی: ۸ (الف) - سکه‌های اشکانی: بیوار، ۸ (ب) - حکومت‌های کوچک در جنوب ایران: سلورد SELLWOOD از کینگزتن، ۹ - سکه‌های ساسانی: گوبل GOBL از وین.

قسمت سوم: سنت تاریخی ایرانیان: ۱۰ (الف) عقائد و جهان بینی مشترک ایرانیان: یارشاطر، ۱۰ (ب) تاریخ ملی ایرانیان (یارشاطر).

قسمت چهارم: ایران و همسایگانش: ۱۱ - ایران و بین‌النهرین: ایلسر EILERS استاد بازنشسته دانشگاه ورتزبورگ آلمان، ۱۲ - ایران، ارمنستان و گرجستان: لانگ LANG استاد دانشگاه لندن، ۱۳ - ایران و چین: واتسن WATSON استاد دانشگاه لندن، ۱۴ - روابط فرهنگی میان اشکانیان و روم: کورتز KURTZ، ۱۵ - بیژانس و ساسانیان: گارسونیان GARSOIAN از دانشگاه کلمبیا، ۱۶ - ایران و عربها قبل از اسلام: بازورت BOSWORTH استاد دانشگاه منچستر، ۱۷ - روابط ایران و ترکان در دوران متأخر ساسانی: فن‌کابن VONGABAIN استاد دانشگاه هامبورگ.

بخش دوم کتاب که صفحات ۶۲۷ تا ۱۴۸۸ را در بر می‌گیرد، به بنیانهای اجتماعی، مذاهب و ادبیات و هنر این ادوار اختصاص دارد و در پایان منابع و فهرستها آمده است و همانگونه که ویراستار در مقدمه متذکر شده، تحقیق در این‌گونه مطالب بس دشوارتر از پژوهش در تاریخ سیاسی است. این بخش از کتاب که شامل قسمتهای ۵ تا ۸ است، فصلهای ۱۸ تا ۲۷ را تشکیل می‌دهد:

قسمت پنجم: بنیانها: فصل ۱۸ - جامعه و حقوق در ایران: خانم پریخانیان PERIKANIAN از آکادمی علوم در لنینگراد، ۱۹ - بنیانهای سیاسی، اجتماعی و اداری: مالیاتها و تجارت: لوکونین LUKONIN از موزه هرمیتاژ، ۲۰ - تقسیمات جغرافیایی و اداری: بروئر BRUNNER از کلمبیا، ۲۱ (الف) گاهشماری: بیکرمن، ۲۱ (ب) جشنهای ایرانی: خانم بویس استاد بازنشسته دانشگاه لندن.

قسمت ششم: تاریخ مذاهب: ۲۲ - تحول اندیشه دینی: کلیه COLPE استاد دانشگاه برلین، ۲۳ - دین زردشتی: دوشن‌گیمن DUCHESNE-GUILLEMIN استاد بازنشسته دانشگاه لیژ، ۲۴ - یهودیان ایران: نویزتر NEUSNER استاد دانشگاه براون در پرویدنس، ۲۵ - مسیحیان ایران: آسموسن ASMUSSEN استاد دانشگاه کپنهاگ، ۲۶ - بودائیت در میان اقوام ایرانی: امریک، ۲۷ (الف) مانویت و زیربنای ایرانی آن: ویدنگرن WIDENGREN استاد بازنشسته دانشگاه اوپسالا سوئد، ۲۷ (ب) کیش مزدکی: یارشاطر.

قسمت هفتم: تاریخ هنر: ۲۸، هنر اشکانی: شلوبرژه SCHLUMBERGER ۲۹ (الف): هنر ساسانی: شپرد SHEPHERD از موزه کلیولند، ۱۹ (ب) تقرینه‌های ساسانی: هارپر HARPER از موزه متروپولیتن، ۳۰ - تحول هنرها در ماوراءالنهر: خانم گیتی آذرپی استاد دانشگاه کالیفرنیا.

قسمت هشتم: زبانها و ادبیات: ۳۱ - خطوط و ادبیات پارتی: بویس، ۳۲ (الف)